

آموزش و پرورش اسلامی

تعلیم عبارت از تلقین یک سلسله مطالب از طرف معلم و یا وادار کردن به فراگرفتن یک سلسله تئوری و حفظ و تکرار آنها نیست . این یک نوع تقلید است . تعلیم در اصل بمعنی انتقال انسان است از حالت جهل به حالت دانائی . با آنچه که انسان میاموزد یک مرحله از سه مرحله به علم رامیپیماید و بدین ترتیب تعلیم تغییری است معنوی از حالتی به حالتی بطوریکه تجزیه این حالت نفسانی از انسان عالم امکان پذیر نباشد بلکه موجب استقلال فکری و بوجود آورنده قدرت درک مسائل مربوطه باشد . بطوریکه با بکار بردن آنچه میداند به آنچه نمی داند پی برد و این مسئله ایست که اختصاص بانسان دارد و حیوانات نمیتوانند این قدرت و ملکه اجتهاد و درک و استنباط را بدست آورند . آنچه حیوانات دیگر میتوانند کسب کنند تقلید و حکایت است ، و باین ترتیب وظیفه معلم تحریک متعلم و فراهم نمودن اسباب های معنوی تعلیم است . و چون آموزش طبعاً :

- ۱- جریان مداوم و مستمر (Continuous)
 - ۲- امر زنده و رشد کننده
 - ۳- امر مرکب ، همه جانبه و کلی عمومی
- (Living Organism)
Enclusive Process

که شامل تمام جنبه های زندگی است ، بنابراین آموزش :

- الف - حفظ و نگهداری ، ب - نقل و انتقال
- ج - تجدید و اصلاح مجموع فرهنگ و تمدن و کلیه جنبه های دیگر زندگی مادی و معنوی فرد و اجتماع را شامل میشود . با این ترتیب میتوان سیستم آموزشی اسلام را ترکیب کلی و نتیجه اختلاط



تعریف سیستم آموزش اسلامی

مشخصات سیستم آموزشی اسلام

ابوالفضل عزنی

عمومی آموزش جوامع مختلف اسلامی درازمنه مختلف دانست نه فقط آنچه در بدو ظهور اسلام مستقلا توسط اسلام پدید آمد .

در اینجا باید آموزش و پرورش اسلامی از آموزش دینی اسلامی کاملا تفکیک شود و چون خوشبختانه در اسلام آموزش مذهبی و دینی از آموزش کلی تجزیه شده و اسلام آموزش کلی عمومی را امضا و تاسیس کرد ، لذا تجزیه و تحلیل این نکته چندان مشکل نخواهد بود .

از احادیث و متون دینی متعدد چنین استفاده میشود که :

۱- آموزش و پرورش اسلامی تنها آموزش مذهبی و دینی نیست (الحکمه صاله المومن فخذ الحکمه ولو من اهل النفاق) (۱) حکمت گمشده مومن است ، پس آنرا فراگیر و لوازا هل نفاق باشد "

۲- آموزش و پرورش میتواند از نوع آموزش و پرورش مفید برای زندگی باشد و در واقع بین آموزش و پرورش و زندگی حدفاصلی وجود ندارد : متون متعدد دینی روشن میکنند که آموزش و پرورش برای زندگی مورد توجه اسلام بوده . متون فراوان دینی تحصیل علم را از طریق غیر اسلامی ترغیب نموده معلوم است علومیکه از طریق غیر اسلامی اخذ شوند علوم دینی اسلامی نیستند و باین جهت میتوان بین علم و اسلام رابطه نزدیک تصور کرد همانطوریکه بین عقل و شرع رابطه نزدیک است مثلا " کما حکم به العقل حکم به الشرع (۲) : بهر چه عقل حکم نماید شرع نیز بآن حکم میکند ."

بعضی متون دینی که تحصیل علم را بطور کلی ولو از طریق غیر اسلامی هم باشد ترغیب میکند عبارتست از " فبشر عباد الذین

یستمعون القول فیتبعون احسنه " (۳) : بشارت ده آن عده از بندگان مرا که گفتار را میشنوند و بهترین آن را پیروی میکنند "

علی علیه السلام فرمود :

خذ الحکمه ولو من المشرکین : دانش را اخذ کن اگر چه از مشرکین باشد .

لا تنتظر الی من قال و انظر الی ما قال : منگر که گفته ، بنگر چه گفته

خذ الحکمه ولو من اهل الضلال : دانش را اخذ کن ، اگر چه از اهل ضلال باشد .

اعلم الناس من جمع علم الناس : داناترین مردم کسی است که علم مردم را جمع کند (بیاموزد) خذ الحق من اهل الباطل و لاتاخذ الباطل من اهل الحق : حق را از اهل باطل فراگیر ، ولی باطل را از اهل حق فرا مگیر .
کونوا نقاد الکلام : (۴) سخن سنج باشید .

سیستم آموزشی اسلامی

از آنجاکه اسلام خود فرهنگ و تمدن جدید با فلسفه و طرز تفکر مخصوص با اقتصاد و دولت و نظام سیاسی مستقل با ادبیات و هنر اصیل ملیت جامعه متمایز و بالاخره سیستم مستقل حقوقی و قضائی مخصوص بخود را تاسیس نمود طبعاً دارای آموزش مخصوص بخود است چون آموزش چنانکه گفته شد مجموع مواردی که بوسیله اسلام تأیید و تاسیس شده است ، میباشد و بدین ترتیب بهیچوجه نمیتوان تردید نمود که اسلام دارای آموزش مخصوص بخود میباشد . از طرف دیگر چون آموزش و پرورش نمیتواند منحصر باشد بآنچه که افراد فقط در موسسات آموزشی میآموزند بلکه شامل کلیه و تمام آنچه که به امر فرهنگ و تمدن یک فرد بستگی دارد و از طرق مختلف خانه ، مدرسه و اجتماع به افراد آموخته

میشود میگردد لذا اسلام نیز دارای آموزش و پرورش مخصوص بخود است .

مشخصات سیستم آموزشی اسلام

سیستم تعلیم و تربیت کلاسیک و رسمی هر ملت و کشور نشان دهنده شخصیت ملی و سیاسی آن ملت و کشور است و دارای مشخصات معین و مخصوص بخود است مثلا آزادی و بی قیدی **Permissiveness** از مشخصات سیستم آموزشی ایالات متحده بشمار می آید .

مسیحیت کاتولیکی و تمرکز از مشخصات سیستم آموزشی فرانسه است، مادیت و کمونیسیم از مشخصات سیستم آموزشی کشورهای کمونیست و برتری نژادی از مشخصات سیستم آموزشی کشورهای نژاد پرست است (آفریقای جنوبی و رودزیا) ، ملیت کاذب و شخص پرستی از مشخصات سیستم آموزشی کشورهای استبدادی ، مسیحیت از مشخصات سیستم آموزشی اسپانیا ، ایتالیا ، و پرتغال و بالاخره آزادی و سوسیالیستی از مشخصات سیستم آموزشی کشورهای شبه جزیره اسکاندیناوی و بریتانیا است .

سیستم های مختلف آموزش ادیان مختلف نیز دارای مشخصات فلسفی و ظاهری مخصوص بخود میباشد ، مثلا تثلیث و تمرکز بر شخص مسیح و اهمیت وی و صلیب از مشخصات سیستم آموزش مسیحی است ، عرفان و تصوف و اخلاق از مشخصات سیستم آموزش دین هندو است ، برتری نژاد اسرائیل از مشخصات سیستم آموزشی دین یهود ، اصالت انسان اجتماعی و فرار از ظواهر زندگی و توجه به بودا از مشخصات سیستم آموزشی دین بودا است و توجه به عقل از

مشخصات سیستم آموزشی دین کنفسیوس است . (۵)

و با این مقایسه اولاً : منطق و تعقل ، احساس و تجربه از مشخصات سیستم آموزشی اسلام است ثانیاً : آموزش و پرورش اسلامی بر اساس منافیزیک و اعتقاد باصول دین و پایه های انسانیت استوار است ، علوم از آنجهت که به رشد معنوی انسان کمک میکنند ستایش میشوند ، هر چند جهات مادی و فیزیکی انسان نیز مورد توجه است ، توحید و نزدیکی به خدا و جلب رضایت او ، رعایت وجدان و رعایت حقوق سایر افراد و عشق و علاقه بدیگران پایه های اصول معنوی سیستم آموزش اسلام را تشکیل میدهد . ثالثاً " طبعاً " اسلام دینی است که رعایت اصول اخلاقی را ضروری میداند و در سیستم آموزشی اسلام رعایت حقوق و جهات اخلاقی منظور گردیده . بطور کلی اسلام اساساً از سه قسمت تشکیل می شود :

- ۱- الاعتقاد بالجنان : اعتقاد باقلب (اعتقاد)
- ۲- العمل بالارکان : عمل بااعضای بدن (عمل)
- ۳- الاقرار باللسان (۶) اقرار با زبان (شهادت) یعنی اعتقاد و عمل و گفتار ، اصول دین و اعتقادات اسلام را تشکیل میدهد و عمل در اسلام بر سه قسمت است :

- ۱ - حقوق پروردگار بر انسان که عبادت را تشکیل می دهد .
 - ۲ - حقوق افراد بر یکدیگر که عقود و ایقاعات را تشکیل میدهد .
 - ۳ - حقوق افراد بر جامعه و جمعه بر افراد که احکام و سیاسات را تشکیل میدهد و با این ترتیب نظام آموزشی اسلام یک نظام معنوی اخلاقی ، حقوقی و مدنی است .
- میتوان گفت اخلاق و اخلاقیات مهمترین

قسمت اسلام را تشکیل میدهد. اسلام معتقد است که کلیه ادیان اصلاً "برای تزکیه اخلاق به وجود آمده‌اند: "لیزکیهم و یلعلمهم الكتاب والحکمه (۷)":

برای آنکه آنان را پاک گرداند و کتاب و دانش را بر آنها بیاموزد "پیغمبر (ص) فرمود: "من حق الولد علی الوالدان یحسن ادبه (۸) از حقوق فرزند بر پدر اینست که ادب او را نیکو گرداند" در اسلام تربیت اخلاقی در ردیف تعلیم و خواندن و نوشتن منظور گشته است. (۹)

۱ - نهج البلاغه. ضمناً "احادیثی از قبیل: اطلبوا العلم ولو بالصلین. فراگیرید علم را، اگر چه در چین باشد) نشان دهنده اینست که آموزش تنها آموزش مذهبی نیست چون آموزش دینی را از چین به دست نمی‌آوردند و حدیث "العلم علمان علم الادیان و علم الابدان علم دو نوع است، علم ادیان و علم ابدان" روشن

میکند که آموزش تنها منحصر بآموزش اصول دین و مذهب نیست و حتی خود علم ادیان نیز کلی و عمومی است.

۲ - یکی از قواعد مشهور فقه است.

۳ - سوره ۳۹، آیه ۱۹

۴ - اثبات الهداء، ج ۱، ص ۴۶ و ۴۷

۵ - رجوع شود به کتب تاریخ ادیان و فلسفه

۶ - رجوع شود به کتب کلامی اسلامی

۷ - قرآن سوره ۶۲، آیه ۲، سوره آل عمران

آیه ۱۶۴، سوره بقره، ۱۲۹

۸ - محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۲۳۳

۹ - برای متون بیشتر در مورد جنبه‌های اخلاقی

آموزش و پرورش در اسلام رجوع شود به کتابهای

غزالی: احیاء العلوم، فاتحه العلوم و کتابهای

اخلاقی شیخ طوسی، اخلاق ناصری،

نهذیب الاحکام و کتابهای خواجه نصیرالدین

طوسی، آداب المعلمین.

محجّه البیضاء ج ۲، ص ۲۳۳

در ساختمان روحی و روان اشخاص تاءثیر میگذارند و دعوی شان این است تاوول بگو چه میخواهی تا من بگویم توکه هستی .

در مکتب اسلام نیز راجع به مسأله غذاها توجهی فوق العاده شده و موارد فوق را مورد تاءثیر قرار داده‌اند . درسختی از امام رضا (ع) آمده است خوردن خون بد خلقی میی آورد فسوات قلب را بسیار و عطوفت را کم میکند و فرد خونخوار حتی ممکن است فرزند خود را نیز بکشد .

البته عوامل دیگری هم هستند که زمینیه و موجبات افزونی شرارت را فراهم می کنند . از جمله خودگرائی های شدید ، بی‌مداری شخصیت ، احساس هتک حرمت و احساس کدورت ها و ...

بقیه از صفحه ۹

در مواردی که طفل در موقعیت سخت و ناگواری فرارگیرد و نتواند از حق و شخصیت خود دفاع کند .

در مواردی که سابقهای ذهنی کودک را مورد رنج و آزار قراردهد و همزمان با چنین سابقهای احساس فشاری هم برای او پدید آید .

در موقعی که طفلی برای اثبات غرور و شخصیت خود اظهاراتی را مطرح کرده و از سوی دیگران مورد تکذیب قرار گیرد .

و بالاخره از آثار و عوارض غذائی هم نمی توان برکنار بود . مصرف برخی از غذاها در صورت تکرار و تداوم نابسامانی های رادرجنبه رفتاری پدید خواهد آورد و این سخن مبتنی بر روانشناسی اغذیه است که مدعی هستند غذاها